

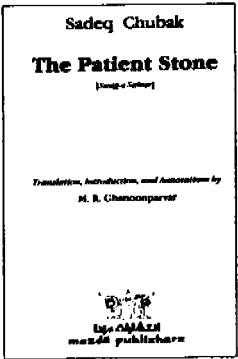
دکتر محمد رضا قانون پرور

ترجمه ژاله مساعد

# درباره

## ترجمه انگلیسی

### سنگ صبور



۱۷۹

اخیرا رمان "سنگ صبور" توسط دکتر محمد رضا قانون پرور به زبان انگلیسی ترجمه شده است. وی در مقدمه کتاب نظریات خود را درباره این رمان نوشته است که می خوانید .

قانون پرور ، رمان سنگ صبور را صدای نویسنده ای می نامد که با همه ی انسانها سخن می گوید ؛ و به دلیل کوشش هنرمندانه نویسنده در ارائه دیدگاه شخصی خود از زندگی ، و به عنوان بازتاب دقیقی از جامعه ، یکی از مهمترین آثار ادبی ایران می داند .

چوبک در سال ۱۹۱۶ در بوشهر متولد شد . در این شهر کودکی و نوجوانی را در شیراز گذراند . محیط مدرسه ، خانواده و جو اجتماعی - سیاسی آن زمان ، چنان تاثیری در او باقی نهاد که بسیاری از خاطرات این دوره از زندگی در شعر "آه انسان" شعر بلند و اتوبیوگرافیک او به زبان انگلیسی ، منعکس شده است .

کودکی ام  
 جوانی ام  
 زندگی ام  
 در زیر بالشم رختها اند ،  
 با من .  
 و هرگاه بخواهم  
 گوهر زهرآلودشان را می مکم .

بازتاب خاطرات این دوره از زندگی چوبک، بعدها در آثارش مشهود است. به عنوان مثال داستان "عمرکشان" از مجموعه داستانهای کوتاه "چراغ آخر" یادآور مراسم سالانه عمر سوزان در بوشهر است. حوادث "تنگسیر" اولین رمان چوبک نیز در بوشهر به وقوع می‌پیوندد. و شرح ماجرایست که در کودکی شاهدش بوده است. شیراز محل وقوع حوادث "سنگ صبور"، دومین رمان چوبک، و به داستان کشاندن ماجرای آدم-کشیهای است که در سالهای ۱۹۳۵ در این شهر اتفاق می‌افتد.

چوبک، پس از اتمام تحصیلات رسمی‌اش در سال ۱۹۳۷، ازدواج کرد. در سال ۱۹۴۵، "خیمه‌شبازی" را نوشت که بسیاری از صفات ویژه کارهای بعدی او، به‌خصوص توجه به جزئیات در توصیف وقایع و رفتار برونی و حرکات و منش شخصیتها را دربر دارد.

بعضی از بخشهای کوتاه و طرح‌گونه این مجموعه، که توسط منتقدان "عکس فوری" نامیده شد، و همچنین بخشهای کاملتر آن که به دردهای اجتماعی و زندگی انسانهای بی‌بیار و یاور می‌پردازد، دید و این نگرشی است که به ندرت در نویسندگان قبل از چوبک یافت می‌شود.

چوبک، با توجه به انتخاب نوع شخصیتها و استفاده از زبان محاوره‌ای، یکی از نویسندگان پیرو جمالزاده و صادق هدایت به حساب می‌آید. قصه‌های روایت‌گونه جمالزاده راه را برای نسل جدیدی از نویسندگان مدرن که مهمترینشان صادق هدایت بود، هموار کرد. اما هدایت از شکل قصه‌نویسی روایتی جمالزاده فاصله گرفت. او با زبان، و به طور عمده با شکل داستان‌نویسی به تجربه پرداخت و به نوبه خود راه‌گشای نسل دیگری از نویسندگان شد که صادق چوبک، با ابداعات و مهارت و استادی حرفه‌ای، شاید برجسته‌ترین و مهمترینشان به حساب آید.

چوبک، گرچه یکی از نویسندگان پیرو جمالزاده و هدایت است، اما اکثر منتقدان از شناخت او به عنوان هنرمندی مبتکر و نویسنده‌ای ماهر و دقیق غافل نمانده، و به طرحهای دقیقش از زندگی مردم و موفقیتش در ارائه زبان محاوره‌ای شخصیتهایش توجه کرده‌اند.

گرچه شخصیتهای آثار چوبک از میان طبقات مختلف مردم انتخاب شده، و در سن و موقعیت اجتماعی از هم متفاوتند، اما بیشتر آنها به یکی از دو طبقه، ظالم یا مظلوم تعلق دارند.

ورود شخصیتهای انتخاب‌شده از میان طبقات فرودست جامعه در صحنه ادبیات ایران، باید به حساب جمالزاده و هدایت گذاشته شود. این دو نویسنده به دلیل آشنایی با ادبیات غرب و به عنوان بازتابی نسبت به دیکتاتوری سیاسی و ادبی حاکم

بر ایران، کوشیدند تا با عدم پیروی از سنت‌های ادبی که به طور عمده اشرافیت را مد نظر داشت، و با دموکراتیزه کردن ادبیات و استفاده از زبان محاوره‌ای عامه مردم در آثارشان، ادبیات ایران را در مسیر تازه‌ای به حرکت درآورند. در این جنبش ادبی، جمالزاده به استفاده از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های عامه‌پسند در آثارش، و هدایت به جمع‌آوری فولکلور و توصیف زندگی مردم عادی و ساده کردن نثر داستانی، توجه خاصی داشتند. اما هیچ یک از این دو نویسنده پیشرو، از عهده بنای پل محکمی بر حفره مابین زبان محاوره و نوشتار فارسی برنیامدند. این مهم به عهده چوبک گذاشته شد.

چوبک علاوه بر توجه‌ای که به جنبه تکنیکی زبان دارد، در ایجاد هماهنگی مابین عناصر مختلف داستان‌هایش، که بازگوکننده عمق فقر، ستم، محرومیت جنسی، قربانی شدن زنان و کودکان، تنهایی، احساس بیگانگی، و فساد و تباهی تدریجی فرد و جامعه در اثر پذیرش خرافات است، توانایی و مهارت هنری خاصی نشان می‌دهد. تصویر تیره و شوک‌کننده، اما هنرمندانه‌ای که ارائه می‌دهد، بر درک عمیق نویسنده از سرشت بشر دلالت دارد.

اکثر آثار چوبک، پس از کودتای سال ۱۹۵۳ منتشر شد. در این دوره از تاریخ سلطنت پهلوی، در اثر افزایش قدرت دیکتاتوری و دستگاه سانسور، منتقدان ادبی و خوانندگان روشنفکر، خواستار عدم ارتباط اهل‌قلم با دستگاه حکومتی و حتی ضدیت با آن بودند. از این رو، تعهد اجتماعی در ادبیات و دنیای قلم، به صورت عامل عمده‌ای در ارزیابی آثار ادبی و محبوبیت نویسنده درآمد. در میان طبقه کتابخوان، نویسندگانی که بعضی از آثارشان توسط دولت توقیف و خواندنش ممنوع شده بود، از محبوبیت بیشتری برخوردار شدند.

در چنین فضایی، دو رمان چوبک، "تنگسیر" و "سنگ صبور" منتشر شده و با حملات شدید عده‌ای از منتقدان روبرو شدند. چرا که چوبک هیچ تمایلی به استفاده مستقیم از شعارهای سیاسی در آثارش، و شرکت در فعالیتهای اجتماعی - سیاسی ضد رژیم نداشت. داستان‌های کوتاه و به‌ویژه رمان‌های چوبک، در میان روشنفکران و شعرا و نویسندگان و بعضی از منتقدان که سعی در به دست آوردن تایید خوانندگان ادبی داشتند، با عدم پذیرش و موفقیت روبرو شد. به علاوه در دهه ۱۹۷۰، بسیاری از نویسندگان برجسته ایران به زندان افکنده شدند، و در نتیجه نویسنده‌ای "متعهد" شناخته شدند و آثارشان اعتبار بیشتری یافت. اما چوبک زندانی نشد و دو رمان او که انتقاد از جامعه و غیرمستقیم بازگوکننده مفاسد موروثی و تاریخی و نظام جدید بود، مورد توجه خوانندگان قرار نگرفت. از نقطه نظر قانون‌پرور، در دو دهه آخر سلطنت محمدرضا پهلوی، درگیری شخصی نویسنده و فعالیتهای سیاسی ضد رژیم عامل عمده‌ای در پذیرش و ارزیابی یک اثر ادبی به شمار می‌آمد. اما عدم استقبال از دو رمان چوبک را، تنها

به دلیل متعدد شناخته نشدن او ، ساده‌اندیشی می‌داند و عوامل دیگری را در این امر مهم می‌داند .

جنبشی که بر ضد غرب‌گرایی و مخالفت با از بین بردن ارزشهای ایرانی به وجود آمده بود ، شخصیت " بلقیس " در سنگ صبور ، که از نظر منتقدان به عنوان " یک زن ایرانی " به‌خصوص در مقایسه با " آهو " در رمان " شوهر آهو خانم " ، قابل پذیرش نبود ، و همچنین طرح تمایلات جنسی زن ، که گرچه در ادبیات مدرن ایران ، موضوع تازه‌ای نبود ، اما مختص زنان جوان طبقه مرفه و به دلیل تاثیر نفوذ فرهنگ غربی به حساب می‌آمد ، و مطرح کردن همانگونه تمایلات جنسی در میان زنان طبقه پایین که نمی‌توانسته‌اند تحت نفوذ فرهنگ غربی قرار گرفته باشند ، حمله مستقیمی به تعصب مردانه مرد ایرانی محسوب شده و غیرقابل بخشش بود . زبان بی‌پروا و استفاده از کلمات مستهجن نیز در سنگ صبور انتقادبرانگیز بود . به علاوه ، او در این رمان جسورانه دست به تجربه با تکنیک داستانسرایی و ساختار و شخصیت‌پردازی تخیلی و از دیدگاهی انتقادی به بررسی تاریخی و سنن و عقاید جامعه پرداخته و یک‌تنه در مقابل تابه‌های اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی به ستیز برمی‌خیزد .

نکته شایان تحسین در سنگ صبور ، توجه به این واقعیت است که یک رمان طبق تعریف خاص خود " رمان باشد . و این نکته‌ای است که ذهن احمدآقای معلم را که سودای نویسنده شدن دارد ، به خود مشغول داشته است . او از خود می‌پرسد چه بنویسد که تازگی داشته باشد ، چون هیچ چیز تازه‌ای در دنیا نیست که قبلاً گفته و نوشته نشده باشد . در این‌جا ، احمدآقا مسئله مربوط به رمان‌نویسان و از جمله خالق خود را مطرح می‌کند . پس یک نویسنده چه چیز تازه و باارزشی می‌تواند به چنین دنیایی تقدیم کند؟ شاید چوبک با نوشتن سنگ صبور ، پاسخ به این سؤال و روش جدیدی برای نگریستن به مسائل قدیمی و تکراری ارائه می‌دهد .

این حقیقت جدید ، حلقه ارتباطی با ارزش و مهمی در داستانسرایی مدرن فارسی بوده ، و آثار چوبک ، به ویژه سنگ صبور ، به مانند آثار جمالزاده و هدایت ، پلی مابین دو دنیای کهنه و نو محسوب می‌شود . ناگفته نماند که با وجود برخورد غیرسنتی چوبک با مسائل کهنه ، رمان سنگ صبور فرزند حلال‌زاده و میراث ادبی و اجتماعی خود اوست .

اهمیت سنگ صبور ، جدا از ارزش ادبی آن ، در عملکردش به عنوان بازتاب هنرمندانه‌ای از جامعه ایران ، و در پرداختن به مسائل اجتماعی رمان معاصر و جنبه‌های تاریخی آن است . بسیاری از نکات مطرح‌شده در سنگ صبور بازتابی از احساس حضور پرقدردت گذشته تاریخی ایران در جامعه معاصر است .

سنگ صبور رمانی در شرح رویدادهای بیرونی نیست ، بلکه بررسی و تشریح افکار و ذهنیت و دنیای درونی پنج شخصیت این رمان در طول چند روز است .

سنگ صبور نیز مانند همه رمان‌هایی که به خصوصیات روحی شخصیت‌هایش می‌پردازد، به کمک تکنیک‌های مختلف، نه تنها به فعالیت ذهنی و درونی فرد، بلکه در نهایت، به دنیایی که شخصیت‌هایش در آن زندگی می‌کنند، راه می‌یابد. اما شخصیت‌های چوبک در چه دنیایی زندگی می‌کنند؟

دنیای سنگ صبور دنیایی ست‌آشفته و پر هرج و مرج. دنیایی وارونه، که در آن دکتر سیف‌القلم بیمارانش را در عوض مداوا از بین می‌برد؛ احمدآقا، معلم تهیدست و درمانده خود را سلیمان پیغمبر می‌نامد؛ و شیخ محمود، برخلاف ظواهر امر، پانصدساله است. در دنیای سنگ صبور مفهوم اسامی اشخاص، با شخصیت واقعی آنها متفاوت و گاه در تضاد است. گوهر، زنی خودفروش، و بلقیس برخلاف ملکه سبا، زن رختشوی بدمنظر و آبله‌رو، و جهان سلطان، تکه‌گوشته کرم‌زده و در حال گندیدن است. و کاکل‌زری قصه‌ها، پسر بچه نگون‌بخت و طردشده‌ایست که پدرش او را حرام‌زاده می‌داند. این دنیاییست که عنکبوت در آن ادعای مهندسی می‌کند و خر از فلسفه سخن می‌گوید. این دنیاییست که نابودی و پایانش در ابتدای آن، و خلقت و شروعش در پایان آن است.

اما دنیای سنگ صبور تخیلی، و هر نکته‌ای در آن، حتا آشفتگی‌اش پرمعناست. در واقع، کتابیست چندوجهی، با تعبیر و تفسیرهای متفاوت که هیچ یک نمی‌تواند مفهوم نهایی آن به حساب آید. به هر حال یکی از تم‌های عمده این رمان تنهایی است. البته تنهایی ناشی از عدم توانایی افراد در ایجاد ارتباط با یکدیگر، تم غالب در داستان‌سرایی مدرن است.

سنگ صبور، پر از مردم مختلف است، اما شخصیت‌هایی که خواننده با آنها آشنا می‌شود، موجودات تنهایی هستند که نه تنها در خلوت خود، که در جمع دیگران نیز احساس تنهایی می‌کنند.

سنگ صبور، داستان رنج و اندوه بشر است. از تنهایی، از بدرفتاری و ستم به زنان، از فرزندان مطرود، از روشنفکران ناراضی، و از بی‌عدالتی و ظلم و تعدی سیاسی و خرافات عامه مردم سخن می‌گوید. شرح دنیاییست آشفته و تهمی از شور و نشاط. صادق چوبک، در این رمان، گرچه زمان، مکان و مردم به‌خصوصی را توصیف می‌کند، اما در انجام این امر، از تاریخ انسان نیز سخن می‌گوید. جامعه‌ای که او ارائه می‌دهد در حال پوسیدن است؛ مانند جهان سلطان، پیرزنی که گوشت تنش را کرم‌هایی می‌خورند که از خود او به وجود آمده و از او تغذیه کرده‌اند. مانند همان کرم‌ها، اجزاء گوناگون جامعه نیز به خوردن و نابود کردن جسم فرتوت خود ادامه می‌دهد. سنگ صبور، نمونه کوچکی از دنیای کنونی را ارائه می‌دهد. دنیایی پوسیده و رو به زوال؛ آشفته و پر هرج و مرج.

دانشگاه میسیگان

فوریه ۱۹۸۹